

## ضرورت اطلاع رسانی برای نابینایان با خط بریل

روزنامه ایران سپید نخستین روزنامه بریل در ایران و منطقه

گفت‌وگو با سهیل معینی<sup>۱</sup>  
مصاحبه کننده: علی نوری

### شناسه

سهیل معینی متولد ۱۳۴۴ و حدوداً ۴۸ ساله است. زمانی که کلاس دوم ابتدایی بود، توپ فوتبال به چشمانش برخورد کرد و باعث شد سهیل از موهبت بینایی محروم شود. او با این که ۴۰ سال است طلوع و غروب خورشید را ندیده، اما اجازه نداده است کوتاهی چشمانش او را از حرکت به سوی افق‌های بلند و روشن باز دارد. معینی کارشناس ارشد روابط بین الملل است و اولین معلولی است که پس از پیروزی انقلاب در سمت مشاور وزیر رفاه قبول مسئولیت کرده است. آقای معینی ۲۰ سال است به عنوان کارشناس خبر در خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران مشغول فعالیت است و از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ نیز به عنوان سردبیر روزنامه ایران سپید مشغول فعالیت بوده و پس از جدایی چندین ساله دوباره از سال ۱۳۹۲ مدیر مسئول این روزنامه شده است. مشاورت وزیر رفاه در امور معلولان طی سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶، رئیس هیئت مدیره انجمن باور، مدیریت شبکه تشکلهای نابینایان کشور، مشاورت دفتر سازمان‌های غیردولتی سازمان بهزیستی کشور و عضویت ستاد مناسب‌سازی فضاهای شهر تهران از فعالیت‌های ایشان است. معینی کسی است که تصویب و اجرای قانون جامع حمایت از معلولان، مدیون پیشنهاد، پی‌گیری‌ها و کارهای کارشناسی اوست. او در زمان تصویب قانون به رایزنی با نمایندگان مجلس پرداخت تا معلولان، قانونی جامع برای حمایت شدن داشته باشند. قانونی که حال پس از گذشت چندین سال معتقد است کاستی‌هایی دارد و باید برای اصلاح آن اقداماتی انجام داد.

\* آقای معینی لطفاً درباره تاریخ تأسیس روزنامه ایران سپید و ضرورت راه اندازی آن بفرمائید.

نابینایان مانند هر گروه دیگری به منابع اطلاعاتی نیاز دارند. با توجه به محدودیت دسترسی نابینایان به منابع اطلاعاتی این ضرورت مضاعف هم هست. چون اگر قرار باشد افراد نابینا مشارکت برابر با سایر آحاد جامعه داشته باشند نیاز به اطلاعات دارند. جهان امروز جهان اطلاعات است و فرد نابینا مانند هر شهروند دیگری اگر قرار باشد که در جامعه خود اثرگذار باشد و در بهبود زندگی خودش نقش اصلی را داشته باشد، احتیاج به اطلاعات و دانش دارد. هرچه دسترسی نابینایان به منابع اطلاعاتی در سطوح مختلف بیشتر و کاملتر باشد نقش‌آفرینی افراد نابینا در زندگی فردی و جمعی مؤثرتر و بهتر انجام می‌گیرد. روزنامه هم یکی از منابع اطلاعاتی است که همه به آن دسترسی دارند و می‌توانند از طریق آن بخشی از منابع اطلاعاتی روزانه خودشان را تأمین

کنند. نابینایان هم به روزنامه احتیاج دارند، به همین دلیل روزنامه ایران سپید شکل گرفت و ایران سپید دومین فرزند مؤسسه فرهنگی مطبوعات ایران است. اولین فرزند آن که روزنامه ایران بود و دومین فرزند هم ایران سپید بود. ایران سپید اولین و تنها روزنامه بریل در ایران و جهان است که از ۲۸ آبان ۱۳۷۵ به همت موسسه مطبوعاتی ایران تأمین محتوا و در چاپخانه رودکی تهران چاپ می‌شود.

ایران سپید در واقع دو نقش اصلی را به عهده گرفت و توانست ایفا کند. یکی اینکه برای اولین بار نابینایان این مملکت صاحب روزنامه شوند. این یک دستاورد بزرگ فرهنگی بود برای یک گروه از شهروندان مخصوصاً اینکه اساس تولد آن «ایران» بود که روزنامه‌ای است برای همه ایرانیان. نابینایان می‌گفتند همه ما هم ایرانی هستیم و چگونه می‌توانیم از روزنامه ایران استفاده کنیم؟ به همین دلیل مدیرعامل وقت خبرگزاری جمهوری اسلامی که صاحب امتیاز است به این فکر افتاد و دستور دادند که بیا بید کاری بکنیم که ایران را نابینایان هم بخوانند.

۱. نابینا، مدیر مسئول روزنامه ایران سپید و رئیس هیئت مدیره انجمن باور



خوشبختانه می‌توان گفت با وجود اینکه حدود ۱۸ سال است که از زمان انتشار روزنامه ایران سپید می‌گذرد و در این مدت منابع اطلاعاتی بسیار گوناگونی در اختیار افراد نابینا قرار گرفته به خصوص منابع اطلاعاتی مثل فضای مجازی، اینترنت و سایر شبکه‌های مجازی ولی همچنان ایران سپید نقش واحد خودش را حفظ کرده است.

بنده در سال ۱۳۹۲ که به عنوان مدیر مسئول به ایران سپید برگشتم به این فکر افتادم که چون ایران سپید سایت دارد بیایم روزنامه را از طریق وب سایت در دسترس قرار دهم و در واقع حجم روزنامه را اختصاص دادیم به یک هفته‌نامه. ولی بیشتر نابینایان مخالفت کردند و گفتند دوست داریم هر روز برایمان روزنامه بیاید و یا روزنامه را در محل کار روی میز کار خود داشته باشیم یا درون تاکسی، اتوبوس و مترو آن را بخوانیم و یک جور ارتباط صمیمی با این روزنامه داریم. واقعیت هم این است که هنوز خیلی از افراد نابینا یا مهارت‌های کامپیوتری لازم را ندارند، یا حتی آنهایی که مهارت‌های لازم را دارند همچنان دوست دارند که در یک مواقع خاصی به سایت‌ها بروند و همچنان دوست دارند که خط بریل را بخوانند و روزنامه را لمس کنند.

\* در رابطه با تأثیر و شمارگان و نحوه توزیع ایران سپید هم توضیح می‌دهید؟

ایران سپید الان نزدیک به ۳۰۰۰ شماره در روز توزیع می‌شود. ابتدا در رابطه با سیستم توزیع آن توضیحی بدهم که این روزنامه که هر روز چاپ می‌شود از طریق پست در اختیار نمایندگی‌های روزنامه ایران در سراسر کشور قرار می‌گیرد و آنها در محل از طریق پست توزیع می‌کنند یعنی در نهایت روزنامه از طریق پست است که به دست مشترکین می‌رسد و از روز اول روی آن فکر شد که ما ضرورت تردد افراد نابینا را به دکه‌های روزنامه‌فروشی را برداریم و فرد بتواند از طریق محل کار، منزل، دانشگاه، مدرسه و هر جا که دسترسی به آن راحت‌تر است روزنامه را دریافت کند. شاید بد نبود روزنامه در دکه‌ها هم قرار بگیرد اما چون امکانات چاپ روزنامه به خط بریل در کشور محدود است، ما نمی‌توانستیم تیراژ بالایی داشته باشیم. در نتیجه ممکن است که یک روزنامه به دکه‌ای برده شود و فرد نابینایی به این دکه مراجعه نکند ولی دو چهار راه بالاتر یک فرد

از این جا بود که روزنامه ایران سپید شکل گرفت؛ روزنامه ویژه نابینایان و وجه تسمیه آن هم این بود که از دیدگاه یک فرد بینا ظاهراً روزنامه ایران سپید است و هیچی در آن نیست در حالی که بریل است و همه می‌توانند بخوانند! روزنامه ایران سپید وقتی آمد، اکثر نابینایان مملکت برای اولین بار صاحب روزنامه شدند. واقعیت این بود که وقتی ایران سپید متولد شد تنها روزنامه بریل جهان بود، ما در سطح جهانی نشریاتی به صورت ادواری به شکل هفته‌نامه و ماهنامه برای دسترسی نابینایان داریم ولی یک روزنامه Newspaper به معنای اخص کلمه نداشته‌ایم. دستاورد بزرگ دیگر ایران سپید که در مراحل بعد خودش را نشان داد این بود که منبع اطلاع‌رسانی تخصصی نابینایان شد. برای اولین بار نابینایان به یک منبع اطلاعاتی دسترسی پیدا کردند که رویدادهای نابینایان را به صورت تخصصی پوشش می‌داد و به طور روزمره درباره نابینایان به نابینایان اطلاع می‌داد و در واقع اطلاعاتی که ویژه نابینایان بود مانند پیشرفت‌های علم و فن در حوزه نابینایان، درمان و توانبخشی، رویدادهای ورزشی و اجتماعی و اخبار انجمن‌ها و تشکل‌های نابینایان. انعکاس موفقیت‌های افراد نابینا و در واقع طرح مشکلات جمعی آنها و ایجاد نقش گفتگوی جمعی بود که روزنامه بر عهده گرفت و انجام داد. به همین دلیل ایران سپید نوعی تریبون و صدای هویت ویژه نابینایان شد و آنها در سطح رسانه‌ها یک صدایی پیدا کردند. این نقشی بود که روزنامه پیدا کرد و همچنان هم ادامه دارد.

منتشر می‌شد و اگر ما قانون جامع معلولان را تصویب کردیم همه به لطف شرایط خوب و نظر مثبت دولت آن زمان بود) سال ۱۳۸۳ که ما به مجلس رفتیم شرایطی در مجلس بود که وقتی من با نماینده‌ای درباره قانون جامع حمایت از معلولان صحبت می‌کردم، دهانش باز نمی‌ماند که معلول یعنی چه؟ و چه شرایطی دارد؟! این را درک می‌کرد و این خیلی به ما کمک می‌کرد که اهدافمان را جلو ببریم. یا در روزنامه ایران، مسئولش من را می‌خواست می‌گفت هر نظر و ابتکاری درباره جامعه نابینایان داری انجام بده و من پشت تو هستم. مثلاً درخواست برای ما آمد که نشریه برای نابینایان تاجیکستان بدهیم گفتند که ما این کار را می‌کنیم با وزارت امور خارجه هماهنگ شد که نشریه را برای تاجیکستان بفرستیم.

ایران سپید به صورت چاپ دوگانه یعنی بریل و بینایی در می‌آمد و آن چاپ رنگی و هزینه بر بود ولی انجام شد. راه این ارتباطات خارجی برای ما باز شد و فضایی در اختیار ما بود که بتوانیم حرف‌هایمان را بزنیم. در آن شرایط ما کار می‌کردیم ولی وقتی دولت در سال ۸۴-۸۵ عوض شد اولاً به ما اطلاع دادند و لیستی به ما دادند که تمام سردبیرها و دبیرانی که در دولت آقای خاتمی کار می‌کردند باید بروند و تصفیه بشوند چون در دولت آقای خاتمی بودند. وقتی این اتفاق افتاد، رسماً نزد آقای اجتهادی که آمده بود در مؤسسه ایران رفتم و به ایشان گفتم که یک چنین چیزی هست. شما لازم نیست این دست و آن دست بکنید. این استعفای من است، من ۸ سال در دولت آقای خاتمی و اینجا سردبیر بودم، ولی دلیلی ندارد بمانم و دست شما باز است که نیروی سیاسی‌ای هم عقیده جنابعالی باشد آورده شود. ایشان گفت نه شما نیروی متخصص اینجا هستید و نیروی متخصص‌تر از شما که نداریم و اینها شایعه است و دلیلی ندارد که شما بروید و کارتان را انجام دهید. ما هم شروع کردیم به کار کردن. در عمل که آمدیم کار کنیم دو فضا بود و عملاً چیزی داشت اتفاق می‌افتاد. یکی اینکه کل فضای روزنامه ایران داشت بسته می‌شد، یعنی بسیاری از نیروهایی که خلاق بودند داشتند می‌رفتند. دو سه تا اتوبوس نیرو از بیرون آوردند که اگر معدل سنی آنها، تحصیلات، شیوه رفتار و گفتار آنها را نگاه می‌کردی از زمین تا آسمان تفاوت داشت با

نابینا روزنامه بخواد و آن دکه نداشته باشد به خصوص اینکه با توجه به مجموعه شرایط از جمله قیمت روزنامه شاید خود دکه‌ها هم سود اقتصادی چندانی در فروختن روزنامه ایران سپید نمی‌بردند و خیلی هم استقبال نمی‌شد ولی به هر حال توزیع از طریق سیستم پست به سراسر کشور انجام می‌شود.

در رابطه با تیراژ آن، شاید بزرگترین چالشی که در ایران سپید هست بحث تیراژ است دلیل آن هم این است که تعداد متقاضی که ما داریم خیلی بیشتر از تیراژ است. از یک طرف تیراژ بالا جای خوشبختی دارد برای هر روزنامه‌ای، اما از نظر مصرف و بازار اگر بخواهیم دقت کنیم مخاطبانی داریم که پشت نوبت‌اند و انتظار می‌کشند و ما نمی‌توانیم جواب بدهیم.

دلیل آن این است که امکانات چاپ بریل در کشور ما محدود است و ما الان به این نقطه رسیده‌ایم که یک کار اساسی درباره چاپ روزنامه انجام بدهیم و دنبال آن هستیم که از طریق رایزنی با مقامات بتوانیم ماشین چاپ تهیه کنیم تا از نظر چاپ روزنامه بریل مستقل شویم. اگر این اتفاق محقق شود می‌توانیم تیراژ روزنامه را به سرعت گسترش دهیم و نیاز بیشتری از مخاطبین را جواب بدهیم. همچنین حجم روزنامه و هم تیراژ آن می‌تواند کاهش پیدا کند و می‌توانیم برنامه‌های تخصص داشته باشیم و با مطالب گسترده‌تری به نیاز اطلاعاتی مخاطب نابینا جواب بدهیم. به هر حال امید داریم که ارزش مورد نیاز چاپخانه بریل را از طریق دولت تأمین کنیم و یک گام عمده را در چاپ ایران سپید برداریم.

\* آقای معینی شما که اینقدر برای روزنامه ایران سپید زحمت کشیده بودید و برای آن طرح داشتید چی شد در سال ۱۳۸۵ تصمیم به رفتن از ایران سپید گرفتید؟

در سال ۸۴-۸۵ دولت جدیدی سرکار آمد و تفکرات خاصی داشت و ما می‌دانستیم که چون مؤسسه ایران سپید وابسته به دولت است و طبعاً کل روزنامه ایران و کل فضای آن زمان مؤسسه در راستای سیاست آقای خاتمی عمل می‌کرد، تغییر خواهد کرد. (من به نوبه خود همیشه افتخار کرده‌ام که در این راستا عمل کردم و این نظر سیاسی من است که به آن اعتقاد دارم و پای آن هم هستم به دلیل اینکه ما این دستاوردها را در همان زمان به راحتی توانستیم به دست بیاوریم. اگر ایران سپیدی

بچه‌هایی که قبلاً در روزنامه ایران استخوان خرد کرده بودند و هر کدام در عرصه مطبوعات و اندیشه آدم‌های متخصصی بودند. حمایت‌های سابق از بین رفت، دفتر روزنامه‌ای که در آن بسیار تلاش کرده بودیم که مستقل شود و داشتیم امکانات می‌گرفتیم ولی دیدیم که روز به روز امکانات ما را کمتر می‌کردند و مشخص بود که دیدشان نسبت به ایران سپید یک دید ترحمی بود نه دید یک مطبوعاتی که آمده فرهنگ‌سازی بکند و اینها ما را آزار می‌داد. مثلاً من ستونی داشتم به عنوان «پیک همدل»، که در آن ستون به سؤالات دوستان به صورت شفاف جواب داده می‌شد. یک‌بار فردی از کرمان نوشته بود چرا به جانبازان امکانات می‌دهند ما هم معلولیم و این امکانات را به ما نمی‌دهند و این تبعیض است و چرا اینگونه است؟ در ستون مربوط، من جواب دادم که جانبازان افرادی هستند که ایثارگر هستند و سرمایه مملکت می‌باشند و رفته‌اند بخش عمده‌ای از سلامتشان را برای حفظ این آب و خاک و ارزشهای این جامعه فدا کرده‌اند، بنابراین وظیفه جامعه است که به جانبازان رسیدگی کند. اما این امر قطعاً به این معنا نیست که به معلولان ما نباید رسیدگی شود و خواسته‌های آنها دیده نشود. این مقایسه را شما نکنید، جانبازان جایگاه ویژه خودشان را دارند و معلولان حقوق خودشان را دارند. دو روز بعد آقای اجتهادی به من زنگ زدند این مطلب چی است که شما نوشته‌اید؟ به من گفتند این متنی که شما نوشته‌اید خودش القا می‌کند به خواننده که این تبعیض دارد اتفاق می‌افتد. گفتم ببخشید آقای اجتهادی من با این دلیل شما مخالفم. من یکی از خوانندگانم این مطلب را نوشته و جواب من این بوده است. از این نمونه‌ها خیلی زیاد بود و نشان می‌داد که بین تفکر ما و تفکر مدیران جدید مؤسسه ایران از زمین تا آسمان تفاوت وجود داشت و کل فضا یک فضای پر تنش بود و نمی‌شد در آن کار کرد. برای همین من یکسال ماندم و تلاش کردم که بینم اگر حرف آقایان درست باشد و در دولت جدید هم اینها نگاهشان به ایران سپید نگاه تخصصی باشد نه سیاسی، بمانیم ولی دیگر این مسائل زیاد شد و من استعفا دادم. استعفای من سه چهار ماه آنجا ماند و وقتی هم که من از ایران سپید بیرون آمدم، استعفای مرا مدیر مسئول ایران سپید امضاء نکرد و

نپذیرفت و حتی پاسخ رسمی به استعفای من ندادند! ایران سپید مثل بچه ما است. ما آن را ۱۰ ساله کردیم و این بلا به روز ما آمد! ما برای ایران سپید به مجلس رفتیم و در همان مجلس ششم مبلغ ۲۰۰ میلیون توان کمک مالی در سال ۸۰-۸۱ برای ایران سپید گرفتیم و این کار برای اولین بار در طول تاریخ مجلس بود که به یک روزنامه بودجه می‌دادند، چون همه بودجه را به وزارت ارشاد می‌دادند و وزارت ارشاد بین مطبوعات تقسیم می‌کرد. برای اولین بار مجلسیان گفتند الان برای شما بودجه می‌گذاریم و ۲ سال دیگر کمک موردی می‌کنیم و در سال سوم ردیف اختصاصی بودجه می‌گذاریم. چون ما طرح تشکیل مؤسسه مطبوعاتی ایران سپید را بردیم و قرار شد ایران سپید تبدیل به مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی شود که در همه سطوح کار کند.

خلاصه نیروهای ایران سپید عوض شدند و روزنامه تبدیل شد به همان نشریه که دیدید. من احترام می‌گذارم به بقیه دوستانی که آمدند ولی خوانندگان ایران سپید قضاوت می‌کنند که در این چندین ساله چه بر سر روزنامه آمد؟ آیا روزنامه رشد داشت؟ اگر رشد داشته من دست همه کسانی را که آنجا زحمت کشیده‌اند می‌بوسم و هیچ ادعایی هم ندارم. ولی خواننده باید قضاوت کند که آیا این تغییر و تحولات به رشد ایران سپید و تطبیق با نیازهای جامعه نابینایان منجر شد و یا روزنامه پس رفت کرد و روز به روز از نیازها دور شده است. در نتیجه به طور خلاصه عدم تطبیق تفکر من با آدم‌های جدیدی که به آن مؤسسه آمده بودند و تفکرات خاصی داشتند موجب رفتن من شد که بعدش هم دیدیم چه چیزی را از روزنامه می‌خواستند و من با آن تفکر به هیچ عنوان نمی‌توانستم کار کنم.

\* در حال حاضر برای سر و سامان دادن به روزنامه ایران سپید چه باید کرد؟

هر چیزی را می‌شود درست کرد و باید هم درست کرد. به نظرم بهتر است اجازه دهید که عمر بیشتری از دولت جدید بگذرد و دوستان بتوانند همفکری کنند، دیدارهایی با مسئولین مؤسسه داشته باشند، نامه‌نگاری شود و نیازهاشان را اعلام بکنند و خواسته‌هایشان را درباره روزنامه عنوان بکنند.

از دوستان روشندل و خوانندگان ایران سپید خواهشمندم

گوش کند و گوش کردن با هدفن باعث می‌شود که ارتباط فرد با جهان اطرافش تا حدود زیادی کم شود. شما در ساعات خلوت می‌توانی مطالعه کنی و یک کتاب گویا یا یک نشریه گویا را گوش بدهی اما واقعیت قضیه این است که به طور مداوم نمی‌توانی این کار را بکنی برای اینکه همکاران در کنارت هستند و ارتباط مختل می‌شود. در نتیجه حتماً سامانه‌های گویا و کتاب گویا جایگاه خاص خودش را دارد و مطلوبیت خودش را دارد و در آن هیچ تردیدی نیست و به هیچ عنوان مخالف کتاب گویا نیستیم ولی خط بریل مظهر استقلال فرد نابینا است. و این که گفتم تجارب تاریخی برای اینکه کشورهای توسعه یافته این مراحل را گذراندند مثلاً در کشور آمریکا در برهه‌ای از تاریخ افرادی آمدند و گفتند منابع گویا تولید و تکثیر آن راحت‌تر است و جذابیت‌های بیشتری دارد. با تشویق‌های آنان افراد نابینا بخصوص کودکان نابینا به شدت به کتاب گویا روی آوردند. بعد از یک مدت زمانی تحقیقات در آموزش و پرورش آمریکا نشان داد که سطح سواد مطلوب افراد نابینا و کودکان به شدت دارد پایین می‌آید. چون فرد فقط کلمه‌ای می‌شنود و دیکته‌اش را نمی‌بیند به همین دلیل خیلی از بچه‌های نابینا پیدا شدند که در عمل از نظر کتابت و سطح سواد مکتوب ضعیف بودند و یک وقت آموزش و پرورش به خودش آمد که من چه چیزی دارم از دست می‌دهم! در ایران نیز از دهه ۱۳۷۰ به بعد برنامه‌ها دارد می‌رود به سمت توسعه مهارت بریل

که فعال باشند و تحولاتی را که مدنظرشان است بخواهند. این روزنامه متعلق به نابینایان است و طبیعی است که خود دوستان نابینا باید در مورد روزنامه ایران سپید اظهار نظر بکنند و انتظار هم این است که این کار را بکنند و نه فقط در مورد روزنامه بلکه راجع به هر پدیده‌ای که مربوط به خودشان است واکنش نشان بدهند و در صحنه باشند و نقاط مثبت را تقویت کنند و راجع به نقاط منفی موضع‌گیری کنند و نظر اصلاحی بدهند تا روند سازندگی مطبوعاتی بیشتر و مفیدتر طی شود.

\* آقای معینی به نظر شما کتاب بریل بیشتر برای نابینایان مفید و مورد استفاده است یا کتاب صوتی؟

به طور قطع یقین هم به لحاظ دانش کارشناسی و هم به لحاظ تجربه تاریخی خط بریل همچنان جایگاه ویژه‌ای در رفع نیازهای اطلاعاتی افراد نابینا دارد. این که گفتم دانش کارشناسی به این دلیل است که خط بریل تضمین کننده استقلال فرد نابینا در مطالعه است و هیچ چیز دیگری نمی‌تواند جای آن را بگیرد و از طرف دیگر ویژگی مطالعه به خط بریل این است که فرد بدون هیچ واسطه‌ای می‌تواند مطالعه کند. شما اگر بخواهید کتاب گویا را در نظر بگیرید فرد اگر بخواهد کتاب گویا را استفاده کند به هر حال مستلزم وسایل مختلفی است و جدا از این وسایل که ایرادی ندارد این است که عموماً اگر فرد بخواهد در محیط جمعی گوش بدهد صدای آن جمع را اذیت می‌کند مگر اینکه آنقدر باید کم کند که کسی صدای آن را نشنود یا باید با هدفن



خوانی و چاپ بریل توسعه پیدا می‌کند. به ویژه اینکه دو نکته را نباید فراموش کنیم، یکی اینکه بحث حجیم بودن منابع اطلاعاتی به خط بریل و اینکه جای زیادی می‌گیرد و خیلی هم سنگین است. دوم بحث اقتصاد گران تولید بریل است. شما اگر بخواهید کتابی را تولید کنید با هزینه چاپ یک کتاب بریل می‌توانید منبع صوتی را تولید کنید و کلی هم تکثیر کنید حال چه روی سی دی باشد یا روی حافظه‌های نوری که امروزه خیلی راحت‌تر است و شما حتی هزینه خرید سی دی را هم نمی‌دهید و حالا امکان گذاشتن در فضای مجازی را هم دارید. این اشکال خط بریل بود اما یک دستاورد جدید که آمد و باعث شد که این اشکالات از بین برود دستگاه‌های نمایشگر بریل است. دستگاه‌های نمایشگر بریل درست است که گران است اما در حال حاضر مشکلی که داریم مثل کشورهای اروپایی افراد نابینا از طریق پوشش بیمه یا به کمک حمایت‌های دولتی نمی‌توانند این نمایشگرها را تهیه کنند. ولی وقتی فرد نابینا نمایشگر خط بریل یا برجسته‌نگار را تهیه کند دیگر از آنجا به بعد همان منابع اطلاعاتی را که یک فرد بینا در فضای مجازی دسترسی دارد، نابینا نیز دسترسی پیدا می‌کند و احتیاجی هم به چاپ کتاب بریل نیست. چون می‌تواند به صورت مصنوعی خط بریل را بخواند و همان جا زیر دستش ایجاد می‌شود و خط بریل دیگر حجیم نیست.

الان نمایشگرهای بریل آمده که راحت به لپ تاپ وصل می‌شود. حجم خیلی کمی دارد و خیلی راحت فرد نابینا تمامی مطالبی را از روی مانیتور رایانه‌اش می‌خواند. همچنین می‌تواند با همان دستگاه برجسته‌نگار به صورت بریل مطالب را بخواند با این تفاوت که دیگر ارتباطش هم با محیط قطع نمی‌شود. می‌تواند در محیط کارش نشسته و با کامپیوترش مطالعه کند. به همین دلیل حتی می‌تواند در زمینه ایجاد اشتغال به افراد نابینا کمک شایانی بکند، زیرا فرد نابینا بالاخره در مؤسسه‌ای یا شرکتی مشغول به کار است و ناچار است که با افراد و مراجعه‌کننده ارتباط داشته باشد. با سیستم صوتی که در گوش گذاشته می‌شود که نمی‌توان با مردم ارتباط برقرار کرد اما با سیستم برجسته‌نگار این امکان هست. در نتیجه خوشبختانه فناوری‌های جدید

به کمک نابینایان آمده است که هم مزیت مطالعه به خط بریل را دارند و هم دیگر مشکلات چاپ کتب بریل، جابجایی و ذخیره و اقتصاد چاپ کتاب بریل هم از بین رفته است. در نتیجه اگر خیلی خلاصه پاسخ سؤال شما را بدهم؛ خیر! به هیچ عنوان منابع گویا جای منابع بریل را نمی‌گیرد اما می‌تواند به عنوان منابع موازی و تکمیلی برای نابینا قابل استفاده باشد.

\* رفتار مردم و مسئولین با جامعه نابینایان چگونه است و نقش روزنامه ایران سپید در فرهنگ سازی را چگونه می‌بینید؟

ارتباطی بین ندیدن و تخصص وجود ندارد و بسیاری از معلولان ما می‌توانند در بسیاری از مشاغل به خوبی و حتی بهتر از افراد عادی کار کنند. نکته جالب این که در پست‌های مدیریت سازمان بهزیستی هم از معلولان استفاده نمی‌شود. اما رفتار مردم با جامعه نابینایان خیلی بهتر از مسئولان است و نگاه مردم نسبت به نابینایان در سال‌های گذشته تغییر پیدا کرده است. با توجه به عضویت ایران در کنوانسیون حقوق انسانی، افراد معلول و براساس این کنوانسیون که حکم قانون نیز دارد، دولت‌ها نباید برای افراد معلول شهروند خود تبعیضی قائل شوند. برای نمونه تفسیر نادرستی از قانون باعث شده تا نابینایان امکان نامزد شدن در انتخابات مجلس را نداشته باشند، امیدواریم با همکاری نمایندگان مجلس و اصلاح قانون امکان دست یابی نابینایان و معلولان به کرسی‌های مجلس شورای اسلامی نیز فراهم شود.

این روزنامه می‌تواند گامی در جهت سهولت دسترسی نابینایان به مطالب و اخبار روز و همچنین امکان آشنایی مردم و مسئولان با نیازها، توانایی‌ها و دغدغه‌ها و مشکلات این قشر باشد. همچنین این روزنامه باعث شده نابینایان بی‌منت هیچ کس، روزنامه بخوانند و سطح آگاهی و دانش آنها ارتقا یابد.

\* جناب آقای معینی از صداقت، صمیمیت و وقتی که در اختیار این مجله گذاشتید سپاسگزاریم.